

# اسلام در

بانگامی به زندگی و اندیشه‌های مولانا ملک ابراهیم کاشانی

خط‌نقش: پور/ دانش‌جوی رشته‌اندلس و مذاهب  
Hazarpoor@yahoo.com

## چکیده:

این نوشتار پس از بحث اجمالی درباره‌ی اندونزی و جاوه و ورود اسلام به این مناطق، به معرفی اولیای نه‌گانه که عامل گسترش اسلام در جاوه شرقی بودند، می‌پردازد.



## کلیدواژه‌ها:

اندونزی، گسترش اسلام، مولانا ملک ابراهیم، والی سونگو، سنن‌گرسیک.

## مقدمه:

این مقاله پس از معرفی اجمالی اندونزی و جاوه و چگونگی نشر اسلام در این مناطق و بیان شواهد آنها به طور توصیفی، با تکیه بر معرفی مولانا ملک ابراهیم کاشانی به معرفی والی سونگو (اولیای نه‌گانه) می‌پردازد و هدف آن علاوه بر معرفی این مبلغان، آشنایی کلی با کیفیت و روش تبلیغ اسلام در اندونزی و خاصه جاوه می‌باشد.

## ۱. معرفی اجمالی اندونزی:

اندونزی بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر جهان و سومین کشور وسیع آسیاست، این کشور بین دو قاره آسیا و استرالیا و در میان اقیانوسهای



# اندونزی

ورود و نشر اسلام  
در مجمع الجزایر  
اندونزی از مهم‌ترین  
و مبهم‌ترین دوران  
تاریخ این کشور  
است. درباره زمان  
ورود و کیفیت  
گرایش مردم  
اندونزی به اسلام  
وحدت نظر وجود  
ندارد. اغلب قرن  
۱۳م (سده ۷ هجری)  
را دوره نفوذ اسلام  
به این منطقه  
می‌دانند

آرام و هند قرار دارد و مشتمل بر سه هزار جزیره مسکونی و هزاران جزیره کوچک است. (۱) دارای آب و هوای استوایی است و از مشخصات آن گرمای فراوان، باران بسیار، رطوبت دائمی و بادهای ملایم است. متوسط رطوبت آن ۸۲ درصد می‌باشد. جنگلهای طبیعی و تنوع بسیار جانوران و پوشش گیاهی آن جالب توجه است. (۲) بیشتر مردم آنجا از نژاد ملایو هستند و زبان رسمی آنها ملایوست و ۲۰۰ زبان محلی نیز رایج است. (۳)

دین رسمی اندونزی، اسلام است ولی قانون اساسی این کشور آزادی مذاهب را تصویب کرده است. طبق سرشماری ۱۹۷۱م/۱۳۵۰ش، ۹۴ درصد آنها مسلمان و ۵ درصد مسیحی و ۱ درصد باقیمانده بقیه ادیان می‌باشند. مسلمانان اندونزی عموماً سنی و شافعی مذهب‌اند. (۴)

## ۲. ورود اسلام و تبلیغ آن در اندونزی:

۱/۲. تاریخ ورود اسلام و کیفیت آن: ورود و نشر اسلام در مجمع‌الجزایر اندونزی از مهم‌ترین و مبهم‌ترین دوران تاریخ این کشور است. درباره زمان ورود و کیفیت گرایش مردم اندونزی به اسلام وحدت نظر وجود ندارد. اغلب قرن ۱۳م (سده ۷ هجری) را دوره نفوذ اسلام به این منطقه می‌دانند. (۵) اما آقای اسعدی معتقد است اسلام در قرون اولیه هجری خاصه در قرن ۲ به اندونزی و جنوب شرق آسیا راه یافت. (۶)

در هر حال، آنچه غیر قابل تردید است، آن است که اسلام برای اولین بار از طریق تاجران و بازرگانان مسلمان که به قصد فروش کالاهای خود راهی این سرزمینها شدند و اغلب ایرانی، عرب و هندی بودند، وارد اندونزی شده است. (۷) به همین خاطر اسلام در قالب شعائر و در هیأت تاجران کالا وارد شده نه از زبان عالمان دین. برای مثال



و هرکدام دلایل خاصی دارند که مجال بیان آنها نیست. (۱۴)

## ۲/۲. نقش اعراب مخصوصاً سادات:

اساساً یکی از مهم‌ترین و قویترین علل و عوامل پیشرفت اسلام عبارت است از زحمات طاقت‌فرسای مبلغین اسلامی که تمام نیرو و امکانات خود را در راه نشر اسلام و دعوت به این دین مصروف داشتند. نشر اسلام در اندونزی نیز مرهون مبلغین اسلامی است که در قالب تجار وارد این کشور شدند. در بین این مبلغین، مبلغین ایرانی و عرب نقش بسزایی داشتند. آقای محمد ظفر، اقبال سهم علما و مبلغان ایرانی را در این مورد زیاد می‌داند (۱۵) و نیز آقای وحید مازندرانی، ایرانیان را عامل عمده نفوذ اسلام در اندونزی می‌داند. (۱۶) برای مثال مولانا ملک ابراهیم که عامل نشر اسلام در جاوه است، طبق یک نقل، اهل کاشان ایران بوده است.

اعراب نیز نقش بسزایی داشتند. آقای اسحاق‌هی علی و ورود اعراب به اندونزی را این گونه بیان می‌کند: «وقتی پایتخت خلافت اسلامی در بغداد مورد تاخت و تاز مغولها قرار گرفت، بسیاری از عالمان و صوفیان از بغداد هجرت کرده و تعدادی از آنها به این سرزمین (اندونزی) آمدند و به ترویج اسلام پرداختند.» (۱۷) اما استاد محمد اسد شهاب، از سادات مشهور اندونزی و از مورخین نامی این کشور، در تشریح نقش و موقعیت سادات می‌نویسد: «در دوران خلفای عباسی، هنگامی که عرصه بر شیعیان و به ویژه فرزندان و نوادگان اهل بیت (ع) تنگ گردید و انواع ظلم و ستمها بر آنها وارد گشت، بسیاری از این سادات در جستجوی مکانی امن به دیگر سرزمینها مهاجرت کردند. در میان این گروه برخی از نوادگان امام جعفر صادق (ع) به چشم می‌خورند که از مسیر هندوستان و از طریق کشتی وارد جزایر اندونزی گشتند. اینان فرزندان محمد بن علی‌العریضی ابن امام جعفر صادق بودند که در رأس آنها احمد بن عیسی فرزند محمد بن علی‌العریضی بن جعفر صادق قرار داشت. به همین جهت به احمد بن عیسی لقب مهاجر داده و به احمد بن عیسی مهاجر ملقب گردید. احمد بن عیسی در ۳۱۷ هجری از بغداد به جنوب جزیره العرب که در آن روزگار تحت نفوذ فرقه اباضیه قرار داشت مهاجرت کرد. ولی پس از مدتی اقامت در این ناحیه به همراه گروهی از اقوام و فرزندان خود به سمت هندوستان حرکت کرد. تعدادی از این گروه در هندوستان ساکن گشته و گروهی دیگر نیز راهی سرزمینهای شرق آسیا شدند. اینان پس از ورود به این مناطق مورد استقبال و پذیرش ساکنان آن قرار گرفته و همین

براساس یکی از منابع، در قرون اولیه هجری که تجارت اندونزی در دست اعراب بوده، اسلام توسط دو تاجر عرب ایرانی نژاد به نامهای عبدالله عریف و برهان الدین که از بازرگانان مقیم گجرات (در جنوب غرب هند) بودند به اندونزی نفوذ یافته است. (۸)

مطمئن‌ترین سند درباره تاریخ نشر اسلام در اندونزی شامل کتیبه‌های اسلامی (غالباً سنگ قبر) و معدودی از مشاهدات سیاحان است. قدیمی‌ترین سنگ قبر باقیمانده از مسلمانان، در لران (leran) واقع در شرق جاوه یافت شده است که تاریخ آن ۴۷۵ ه.ق (۱۰۸۲ م) و متعلق به زنی، که فرزند شخصی به نام «میمون» است، می‌باشد. (۹) سنگ قبر دیگری مربوط به مسلمانان در ناحیه پیز (pase) واقع در شمال سوماترا کشف شد که تاریخ آن، نیمه اول قرن ۱۵ است. (۱۰) سنگ قبر اسلامی دیگری در گرسیک (Gresik)، یکی از مهم‌ترین بنادر شرق جاوه، یافت شد که مربوط به شخصی به نام ملک ابراهیم، متوفی ۸۲۲ ه.ق (۱۴۱۹ م)، می‌باشد. (۱۱) (در مورد این شخصیت در ادامه مفصل بحث خواهد شد).

علاوه بر این دو مورد، مقبره‌هایی در شهرهای مختلف اندونزی یافت شده است که تاریخ آنها مربوط به ۹۰۲ ه.ق (۱۴۹۷ م) و ۹۳۱ ه.ق (۱۵۲۵ م) می‌باشد و تاریخ تمام این سنگ قبرها به جز یک مورد هندی است که با خط جاوه‌ای قدیم روی سنگها حک شده است. (۱۲) منشأ این سنگها را کامبای (cambay) واقع در گجرات تعیین کرده‌اند. بحثی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که ورود اسلام به اندونزی چگونه است. یکی از مناطق مورد توجه گجرات، در شمال غرب هند است. (۱۳) البته سواحل مالابار در جنوب غرب هند، کروماندل (coromandel) در جنوب شرق هند، بنگال، جنوب چین، عربستان، مصر و ایران به عنوان سرچشمه اسلام اندونزی ذکر شده‌اند

نشر اسلام در اندونزی نیز مرهون مبلغین اسلامی است که در قالب تجار وارد این کشور شدند. در بین این مبلغین، مبلغین ایرانی و عربی نقش بسزایی داشتند



امر موجب گردید تا در این مناطق ساکن گردند و به فعالیتهای تبلیغی و یا تجاری اشتغال ورزند. بسیاری از آنان پس از ازدواج با دختران پادشاهان و امراء محلی به مراتب عالیه حکومتی نائل شدند و حتی بعضی از آنان سمت سلطان و پادشاه نائل گردیدند. این گروه از سادات که شیعه مذهب بودند و تبلیغ و ترویج اسلام را عمدهترین وظیفه خود می‌شمردند، موجب گشتند که در مدتی کوتاه اسلام در میان جمع کثیری از ساکنان این مناطق پیروانی را گرد خود جمع آورد. (۱۸)

### نشر اسلام در جاوه:

جزیره جاوه یکی از پنج جزیره بزرگ اندونزی است و در لغت به معنی مزرعه و کشتزار است و حاصلخیزترین و زیباترین جزیره دنیاست. خاک سرخ فام جاوه خیلی حاصلخیز است و انواع نهال و درختان دائمًا سبز و جنگلهای انبوه به حد وفور یافت می‌شود. (۱۹)

تاریخ مسلمان شدن جاوه‌ایها و انتشار اسلام در جزیره مشخص نیست. بنا به گزارشی مبلغان عرب و ایرانی، اسلام در جاوه از سال ۸۰۳ ه.ق (۱۴۰۰ م) گسترش دادند. (۲۰) بنا به قولی گسترش اسلام در جاوه از سده هفتم هجری آغاز شد. بنابر نظر دیگر از ۸۸۲ ه.ق رواج پیدا کرد. برخی محققان ورود اسلام در جاوه و گسترش آن را همزمان با تاریخ نخستین سنگ قبرهای مسلمانان در جاوه می‌دانند. از میان این آثار، سنگ قبری است متعلق به زنی مسلمان در لران (leran) متعلق به نیمه دوم سده پنجم که روی آن کلمات عربی حک شده است. سنگ قبر دیگر، همانطور که قبلاً ذکر شد، متعلق به شخصی به نام ابراهیم ملک در گرسپک مربوط به سال ۸۸۲ ه.ق می‌باشد. (۲۱) نظر آرنولد این است که اولین کوشش به منظور معرفی اسلام در جاوه به وسیله یک نفر از بومیان جاوه، که با بازرگانان عرب آشنا شده بود، در اواخر قرن دوازدهم میلادی صورت گرفت و در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی طی یک نوع فعالیت تبلیغاتی به وسیله مولانا ملک ابراهیم با تعدادی از همکیشان خود در ساحل شرقی جاوه گسترش یافت. (۲۲) که این گروه به اولیای نه‌گانه (walisongo) معروف گردیدند.

### ۴. اولیای نه‌گانه (والی سونگو): (۲۷)

بید تنه جاوی (Babad Tanah Jawi)، که تاریخ سرزمین جاوه است به زبان جاوه‌ای، مسلمان شدن اولین گروه جاوه‌ای را به فعالیت اولیای نه‌گانه نسبت می‌دهد. (۲۳) همه والی سونگو ملقب به سنن (Sunan) به معنی «ولی» می‌باشند و عبارتند

از: ۱. سنن گرسپک (مولانا ملک ابراهیم) ۲. سنن امپل ۳. سنن بونانگ ۴. سنن گیری ۵. سنن دراجات ۶. سنن کالی جاگا ۷. سنن قدوس ۸. سنن موری ۹. سنن گونونگ جاتی. (۲۴)

اصطلاح «ولی» که به همه اینها اطلاق می‌شود، عربی و به معنای مقدس و قدیس است، یا به معنی آنچه نیکلسون آن را «مثل روشن انسان کامل» توصیف می‌کند. (۲۵) اما ریکلفس معتقد است سنن به زبان جاوه‌ای است و ریشه لغوی آن احتمالاً از کلمه سوهون (Suhun) به معنی احترام گذاشتن و در اینجا صیغه مفعولی آن به معنای محترم می‌باشد. (۲۶)

والی سونگو نماد انتشار اسلام در اندونزی به ویژه در جاوه هستند. البته نقش افراد دیگر در نشر و گسترش اسلام در جاوه نفی نمی‌شود، ولی در هر حال، نماد نشر اسلام والی سونگو هستند. والی سونگو در یکجا زندگی نمی‌کردند و هم سن نیز نبودند، ولی با یکدیگر رابطه داشتند، رابطه خانوادگی و یا رابطه استاد و شاگردی. مولانا ملک ابراهیم از نظر سنی از همه آنان بزرگ بود. سنن امپل پسر مولانا ملک ابراهیم و سنن گیری برادر زاده مولانا است یا به قولی پسر عموی سنن امپل. سنن بونانگ و سنن دراجات پسران سنن امپل بودند. سنن کالی جاگا رفیق و شاگرد سنن بونانگ و هم سن و سال بودند. سنن موری پسر سنن کالی جاگا بود. سنن قدوس شاگرد سنن کالی جاگا است. سنن گونونگ جاتی رفیق اولیای دیگر به جز مولانا بوده است؛ چرا که مولانا وفات یافته بود.

اینها در منطقه سواحلی شمال جاوه در قرن ۱۵ و ۱۶ زندگی می‌کردند. سه منطقه مهم برای والی سونگو ذکر شده:

۱. سورابایا، گرسپک، لامونگان (Surabaya-Gresik-Lamongan) در جاوه شرقی. ۲. دماک، قدوس، موری (Demak-kudus-Muria) در جاوه مرکزی. ۳. چریبون (Cirebon) در جاوه غربی.

والی سونگو علما و اندیشمندانی در میان مردم بودند که در آن زمان اطلاعات و توانایی زیادی در پزشکی، کشاورزی، تجارت، فرهنگ و حتی هنر و حکومتداری داشتند. حوزه دینی امپل و حوزه دینی گیری دو مدرسه بزرگ دینی اسلامی در آن زمان بوده است.

درباره مولانا ملک ابراهیم در بخش ۵ اطلاعات کاملی خواهد آمد. در ادامه این بخش اطلاعات مختصری از سننهای دیگر را بیان می‌کنیم:

سنن امپل فرزند ارشد مولانا ملک ابراهیم است و در کودکی به رادن رحمت معروف بود و اکنون نیز به این اسم معروف است. در سال ۱۴۰۱ م در چمپا

برخی محققان ورود اسلام در جاوه و گسترش آن را همزمان با تاریخ نخستین سنگ قبرهای مسلمانان در جاوه می‌دانند. از میان این آثار، سنگ قبری است متعلق به زنی مسلمان در لران (leran) متعلق به نیمه دوم سده پنجم که روی آن کلمات عربی حک شده است





تصویر منسوب به توماسی به گانه (والی سولهور) به ارتیب ارزاست به چهار  
مدرسه اول احمد دراجات سنن قاسم استغری

معروف به  
سنن گرسیک که  
در سال ۸۲۲ ه.ق  
(۱۴۱۹م) وفات  
یافت. درباره  
اینکه ایشان از  
چه قومیتی بوده  
است، هیچ اتفاق  
نظری نیست و  
فقط معلوم است  
که جاوه‌ای نیست  
و به آنجا مهاجرت  
کرده است. (البته  
از مذهب ایشان  
نیز اطلاعاتی در  
دست نیست). چند  
نظریه در این باره  
ذکر شده است  
که قوی‌ترین و  
مشهورترین قول که  
آقای ج.پ.ماکوئت  
(J.P.Moquette)  
آن را مطرح می‌کند  
این است که ایشان  
اهل کاشان (یکی  
از شهرهای ایران)  
می‌باشند



گرفت و حاصل آن رادن فتاح شد. (قابل  
توجه است که رادن به معنای شاهزاده  
می‌باشد).

سنن یونانگ معروف به رادن مخدوم  
ابراهیم در ۱۴۶۵م متولد شد. سنن گیری  
معروف به رادن پاکو محمدعین‌الیقین  
در ۱۴۴۲م متولد شد. ایشان مرکز علمی  
در جنوب گرسیک در منطقه‌ای تپه مانند  
ساخت (گیری در زبان جاوه‌ای به معنای تپه  
است). این مرکز علمی تا ۲۰۰ سال پس از  
او نیز به عنوان مرکز علمی شناخته می‌شد.  
شاگردی از این مدرسه برخاست که علیه  
استعمار هلند مبارزه کرد. ایشان در زمان  
پادشاهی رادن فتاح به عنوان مشاور پادشاه  
و فرمانده نظامی سلطنت وی مشغول  
فعالیت بود.

سنن دراجات معروف به رادن قاسم و  
رادن سیف‌الدین بوده است که در ۱۴۷۰م  
متولد شد. سنن کالی‌جاگا معروف به رادن  
سعید در ۱۴۵۰م متولد شد. ایشان به صورت  
خلاقانه از تئاتر و نمایش برای تبلیغ اسلام  
استفاده کرد. تئاتر سایه و ارکستر گاملان  
(Gamelan) و سلامتان را همراه با قرآن  
و ارکان پنج‌گانه متداول کرد. بدین نحو که  
با نواختن دستگاه گاملان، باعث تجمع مردم  
می‌گردید و در عوض انعام، از تماشاگران  
می‌خواست تا لا اله الا الله، محمد رسول الله

(campa) متولد شد. در برخی منابع  
آمده است که در ۱۴۴۳م با برادر کوچک  
ترش سید علی مرتضی به سرزمین جاوه  
رفتند. البته اول از چمپا به سوماترا رفتند  
و بعد از ۳ سال اقامت در آنجا به گرسیک  
(پیش پدرشان) رفتند و سپس از گرسیک  
برای دیدن خاله‌شان (مادر رادن رحمت  
دختر پادشاه بود) به پایتخت ماجاپاهیت  
رفتند. سنن امپل با دختر شاهزاده شهر  
توبان (Tuban) ازدواج کرد و حاصل این  
ازدواج سنن یونانگ و سنن دراجات بودند.  
رادن رحمت یکی از مؤسسين سلطنت  
اسلامی دماک بود. او از نظر فقهی مقلد  
امام ابوحنیفه بود و تعالیم ساده‌ای به مردم  
می‌آموخت که می‌توان از جمله آن تعالیم  
مالیما (Molimo) را نام برد. مالیما پنج  
گناهی است که نباید آنها را مرتکب شد:  
قمار، شرب خمر، دزدی، زنا، استعمال مواد  
مخدر. سنن امپل شاگردی داشت به نام  
رادن فتاح (Raden Patah) که فرزند  
براو بجا پنجم (از پادشاهان ماجاپاهیت) بود.  
او نیز مثل مولانا در میان مردم حضور پر  
رفت‌وآمد داشت و با اخلاق حسنه به تبلیغ  
اسلام می‌پرداخت. به عبارت دیگر شاهزاده  
چمپا یک دختر خود را به ازدواج مولانا ملک  
ابراهیم درآورد که حاصل آن رادن رحمت  
شد و دختر دیگرش را پادشاه ماجاپاهیت



بگویند اسلام را بپذیرند.

سنن قدوس معروف به جعفر صادق بود. سنن موریا نیز معروف به رادن عمر سعید بود. ایشان به مردم عامه و مستضعف خیلی کمک می کرد و پناهگاه ایشان بود و در مجموع با مساکین رابطه ای حسنه داشت. سنن گونونگ جاتی معروف به شریف هدایت الله در حدود ۱۴۴۸م متولد شد. مادرش شاهزاده بود. از ۱۴ سالگی علوم اسلامی را نزد علمای مصری فرا گرفت. نکته قابل توجه اینکه سنن گیری و سنن بونانگ و سنن کالی جاگا و سنن قدوس هنرمندان مسلط و فهمیده ای بودند.

### ۵. مولانا ملک ابراهیم (۲۸):

معروف به سنن گرسیک که در سال ۸۲۲ هـ. ق (۱۴۱۹م) وفات یافت. درباره اینکه ایشان از چه قومیتی بوده است، هیچ اتفاق نظری نیست و فقط معلوم است که جاوهای نیست و به آنجا مهاجرت کرده است. (البته از مذهب ایشان نیز اطلاعاتی در دست نیست). چند نظریه در این باره ذکر شده است. برخی ایشان را اهل مغرب می دانند و به او شیخ مغربی می گویند. عده ای دیگر از جمله ج.ج. مینسما (J.J.Meinsma) معتقدند تولد ایشان در سمرقند واقع در آسیای مرکزی است و به او شیخ ابراهیم السمرقندی می گویند. رفلکس در کتاب خود ذکر کرده که ایشان یک روحانی عرب از نوادگان زین العابدین است. اما قویترین و مشهورترین قول که آقای ج.پ. ماکوئث (J.P.Moquette) آن را مطرح می کند این است که ایشان اهل کاشان (یکی از شهرهای ایران) می باشند.

اکثرا قائلند به اینکه ایشان سید (از نوادگان رسول خدا) می باشند و سلسله انساب ایشان را این گونه بیان کرده اند: حسین بن علی، علی زین العابدین، محمد الباقر، جعفر الصادق، علی العریضی، محمد النقیب، عیسی الرومی، احمد المهاجر، عبیدالله، علوی اول، محمد صاحب الصومیه، علوی ثانی، علی خالغ قسم، محمد شهاب مربط، علوی عم الفقیه، عبدالملک (احمدخان)، عبدالله (الغظمه) خان، احمدشاه جلال، جمال الدین اکبرالحسین (مولانا اکبر) و مولانا ملک ابراهیم. (درباره مهاجرت این سادات به اندونزی در بخش ۲ مفصلا بحث شد). مولانا ملک ابراهیم و مولانا اسحاق فرزندان جمال الدین اکبرالحسین (مولانا اکبر) هستند. شیخ جمادی الکبری با دو فرزندش به جاوه آمدند و آنجا از هم جدا شدند. جمادی الکبری در جاوه ماند و مولانا ملک ابراهیم به چمپا رفت و ۱۳ سال آنجا زندگی کرد و برادر کوچکترش مولانا اسحاق به سمودرا پاسای (Samudera pasai) رفت. مولانا ملک ابراهیم در چمپا دختر پادشاه را به همسری گرفت و از این ازدواج دو فرزند حاصل شد. یکی سنن امپل و دیگری سید علی مرتضی معروف به رادن سنتری (Raden santri). بعد از اینکه مدتی به تبلیغ اسلام پرداخت، به



تصاویر مستند به او این به گفته (وکی موسوی) به ترتیب از راست به چپ: سنن بونانگ، سنن موریا، سنن گونونگ جاتی، سنن کالی جاگا



پس از فوت سادات اندونزی قبور آنها حرمهای مقدسی شد و مردم به زیارت آنها می‌روند. سالی یکبار نیز اجتماعی به نام هول (Haul) یعنی سالگرد وفات در مجاورت بسیاری از این قبور (از جمله مقبره مولانا ملک ابراهیم) برپا می‌شود

جاوه رفت. ایشان جزء اولین کسانی بود که اسلام را در جاوه تبلیغ و منتشر کرد و از میان والی سونگو بزرگ ترین آنها و پدر معنوی آنهاست. در جاوه، ابتدا به روستای سمبالو (Sembalo) واقع در ۹ کیلومتری شمال گرسیک، رفت و در روستای پاسوچینان منیر (Pasucinan-Manyar)، نزدیک روستای سمبالو، مسجدی تأسیس کرد. ایشان در جاوه مشغول تجارت بودند و به خاطر تجارت با مردم رفت‌وآمد داشت و مردم او را می‌شناختند.

به همه مردم به خصوص غیر مسلمانان نزدیک می‌شد و با آنها صحبت می‌کرد و به مرور مردم به ایشان علاقمند شدند و به اسلام گرایش پیدا کردند؛ چرا که او بسیار خوش اخلاق و متخلق به اخلاق اسلامی بود تا جایی که کسی در آن منطقه به خوش اخلاقی او نبود، ثنایا به تبلیغ اسلام با زبان عوام پرداخت. علاوه بر آن به تعلیم کشاورزی به آنان پرداخت و در علم پزشکی و داروشناسی نیز تبحر داشت و مردم برای معالجه نزد ایشان می‌رفتند و ایشان در قبال آن، هیچ مزدی دریافت نمی‌کردند. وقتی مردم با مشکل اقتصادی و یا درگیری قومی بین خودشان روبه‌رو می‌شدند، ایشان به عنوان فرد مورد قبول همه، به حل مشکل می‌پرداخت. این عوامل موجب گرایش و اقبال مردم به ایشان و در نتیجه مسلمان شدن آنها بود.

با گسترش نفوذ و موقعیت در میان مردم، برای دعوت پادشاه به اسلام به پایتخت پادشاهی ماجاپاهیت رفت. پادشاه گرچه مسلمان نبود، ولی او را به گرمی پذیرفت و قطعه زمینی را در حومه گرسیک به او اهدا کرد که آن زمین اکنون روستای گیورا (Gapura) می‌باشد که مقبره ایشان نیز همین‌جاست.

ایشان برای گسترش اسلام مراکز علمی (Pesantren) بنا کرد و مشغول به تربیت نیروهای جوان شد تا از این طریق به شکوفایی استعداد علمی آنها بپردازد و آنها در آینده برای تبلیغ اسلام مفید باشند.

سرانجام بعد از اینکه کار تبلیغ را به نحو احسن انجام داد و برای نشر دین اسلام شاگردانی تربیت کرد، در روز دوشنبه ۱۲ ربیع‌الاول سال ۸۲۲ هـ.ق (۱۴۱۹م) وفات یافت. مقبره ایشان اکنون در روستای گیورا و تن (Gapura wetan)، حوالی شهر گرسیک در جاوه شرقی است. مقبره وی زیارتگاه مردم است. بر سنگ قبر ایشان جملاتی نوشته شده که مضمون آن این است: این قبر بنده‌ای است که از خدای مهربان طلب مغفرت و

رحمت می‌کند، استاد شاهزاده‌ها و عصای سلاطین و وزرا، پناهگاه مستضعفان و فقیران، شهید سعید، ملک ابراهیم که به خوبیها مشهور است. خداوند رحمت و رضوانش را شامل حالش بگرداند و او را در بهشت جای دهد. در روز دوشنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۸۲۲ هـ.ق وفات یافت.

مردم در سالگرد وفات ایشان مراسم خاصی به نام هول (Haul) می‌گیرند از جمله ختم قرآن، خواندن اشعار ولادت پیامبر و پذیرایی.

علت احترام مردم به ایشان، علاوه بر اینکه ایشان عامل تبلیغ اسلام بودند، این است که مردم برای سادات احترام خاصی قائلند و آنان را چون قدیسین می‌پندارند. پس از فوت سادات، قبور آنها حرمهای مقدسی شد و مردم به زیارت آنها می‌روند. سالی یکبار نیز اجتماعی به نام هول (Haul) یعنی سالگرد وفات در مجاورت بسیاری از این قبور (از جمله مقبره مولانا ملک ابراهیم) برپا می‌شود.

#### نتیجه:

نتیجه‌ای که می‌توان از این مقاله گرفت، اهمیت تبلیغ عملی است. اصولاً دعوت با عمل مؤثرترین وسیله تبلیغ و دعوت است. امام صادق (ع) فرمودند: «کونوا دعاة للناس بالخیر بغیر السنتمک لیروا منکم الاجتهاد و الصدق و الورع؛ مردم را به غیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکوکاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزگاری شما را ببینند.» (۲۹) چرا که در دیدن تأثیری است که در شنیدن نیست و تأثیر این نوع تبلیغ در روش تبلیغ مولانا ملک ابراهیم کاشانی نمایان است. از این رو امت اسلامی باید برای دیگر ملت‌ها و امت‌ها اسوه حسنه باشد. لذا خداوند می‌فرماید: «و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا؛ همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانی است) شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه باشد.» (۳۰)

#### پی‌نوشتها:

۱. سرزمین هزاران جزیره، ص ۱۱.
۲. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، صص ۳۴۹-۳۵۱.
۳. مقاله اندونزی، مجله ندای اسلام.
۴. جهان اسلام، ج ۱، ص ۲۸۴.
۵. اندونزی، مظفری، ص ۳۲؛ اسلام در جنوب شرقی آسیا، ص ۷؛ نهضت‌های نوین اسلامی



در اندونزی، ص ۹؛ تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، ص ۱۵؛ سفر به کشورهای مختلف جهان، ج ۱، ص ۶۳؛ سرزمین هزاران جزیره، ص ۵۸.

۶. جهان اسلام، ج ۱، ص ۲۸۵.

۷. همه منابع بر این نظر متفقند.

۸. جهان اسلام، ج ۱، ص ۲۸۵.

۹. تاریخ جدید اندونزی، ص ۳.

۱۰. اسلام در جنوب شرقی آسیا، ص ۱۷.

۱۱. اسلام در جنوب شرقی آسیا، ص ۱۸؛ تاریخ جدید اندونزی، ص ۶ و ۱۸؛ سرزمین هزاران جزیره، ص ۶۴.

۱۲. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۵۸.

۱۳. ر.ک: اسلام در جنوب شرقی آسیا، ص ۲۰، نظریه اسنوک (Snouck).

۱۴. تاریخ جدید اندونزی، ص ۱۷.

۱۵. تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، ص ۱۵.

۱۶. سرزمین هزاران جزیره، ص ۶۴.

۱۷. مقاله اندونزی، مجله ندای اسلام.

۱۸. صفحات من تاریخ الشیعه فی اندونسیا، ص ۹ به نقل از مقاله سادات در اندونزی.

۱۹. سرزمین هزاران جزیره، صص ۱۳-۲۵.

۲۰. *The Encyclopedia of Islam*, Vol. ۳, P. ۱۲۱۸

۲۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۹، ص ۴۸۳.

۲۲. تاریخ گسترش اسلام، ص ۲۷۶.

۲۳. تاریخ جدید اندونزی، ص ۱۳.

۲۴. تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، ص ۱۷؛ و همچنین:

www. و www.swaramuslim.com و wikipedia.org

۲۵. اسلام در جنوب شرقی آسیا، ص ۶۸.

۲۶. تاریخ جدید اندونزی، ص ۱۳.

۲۷. مطالب این بخش به زبان اصلی از اینترنت اخذ شده است و ترجمه آنها با مساعدت و همکاری بی دریغ حافظ الکاف (رئیس رادیو مالایو در صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران) انجام پذیرفته است.

۲۸. مطالب این بخش از دایرة المعارف wikipedia و تاریخ گسترش اسلام گرفته شده است.

۲۹. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۴.

۳۰. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی سوره بقره، آیه ۱۴۳.

#### کتابنامه:

۱. اسحاقزهی، غلام سرور، اندونزی، مجله ندای اسلام، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۳.
۲. اسعدی، مرتضی، جهان اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۶.
۳. ام.بی. هوکر، اسلام در جنوب شرقی آسیا، ترجمه محمد مهدی حیدرپور، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۷۱.
۴. ام.سی، ریکلفس، تاریخ جدید اندونزی، ترجمه عبدالعظیم هاشمی نیک، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، چاپ اول ۱۳۷۰.
۵. انصاری محلاتی، محمدباقر، سفر به کشورهای مختلف جهان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران.
۶. برنارد ولک، تاریخ اندونزی، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
۷. توماس آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه ابوالفضل عزتی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
۸. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ۱۳۸۴.
۹. دلیارثوئر، نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان مقدس رضوی مشهد، ۱۳۷۰.
۱۰. ظفر اقبال آرائین، محمد، تأثیر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی، پایان نامه درجه دکتری، ۱۳۸۴.
۱۱. کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح حاج سیدجواد مصطفوی، انتشارات ولی عصر (عج)، چاپ اول ۱۳۷۵.
۱۲. مازندرانی، وحید، سرزمین هزاران جزیره، نشر کتابخانه دهخدا، تهران ۱۳۴۵.
۱۳. مظفری، محمدرضا، اندونزی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم ۱۳۷۴.
۱۴. موسوی بجنوردی، کاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلام، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۵. روزنامه کیهان مورخ ۸۰/۶/۱۵ مقاله سادات در اندونزی.
۱۶. *The encyclopedia of Islam*, New Edition, Vol.3, P.1218
۱۷. WWW.Pesantren.net
۱۸. WWW. Wikipedia. Org: Sunan Gresik
۱۹. WWW. Swaramuslim. Com

